زنان داستان نویس

یکی از جالب‏ترین نشانه‏های تحول جامعه‏ی ایرانی به طور عام و تحول در فرهنگ و ادب فارسی به‏طور خاص،کثرت فزاینده‏ی‏ زنان شاعر و داستان‏نویس در چهل-پنجاه ساله‏ی اخیر است.ما در این مقاله به معرفی چند زن نویسنده می‏پردازیم:

1-سیمین دانشور

سیمین دانشور(متولد 1300)اولین زن داستان‏نویس در ادبیات‏ فارسی‏ست که از جهت ارزش و اعتبار با برترین داستان‏نویسان نسل‏ خود که همه از جنس مخالف‏اند،شانه‏به‏شانه می‏ساید و از ایشان کم‏ نمی‏آورد.او با انتشار آتش خاموش(1327)وارد عالم داستان‏نویسی‏ شد.این مجموعه‏ی داستان را باید از تلاش‏های آغازین و تجربه‏های‏ خام او به شمار آورد.ولی مجموعه‏ی داستان شهری چون بهشت‏ (1340)نشان داد که قلم دانشور متحول شده و به پختگی رفته است. این قلم در رمان سووشون(1348)پخته‏تر شد و اثری ماندگار به‏ ادب داستانی ایران افزود.دانشور در این داستان یک خانواده‏ی‏ شیرازی را در بحبوحه‏ی جنگ دوم جهانی،همراه با سنّت‏ها و فرهنگ‏ خاص خودش،ارائه داد.یوسف و زری قهرمانان اصلی این داستان در مواجهه با فشارهای جامعه بر وجود خویشتن هشیار می‏شوند و در بستر داستان،آگاهانه در مقابل این فشارها کنش‏وواکنش از خود نشان می‏دهند.

دانشور مجموعه‏ی داستان به کی سلام بکنم را در سال‏ 1358 انتشار داد و در آن(مثل مجموعه‏ی داستان شهری چون‏ بهشت)به وضعیت زنان ایران پرداخت.او در این مجموعه زنان‏ ایران را در رویارویی با تحولات جامعه مجسم ساخت.نثر دانشور، نثری پخته همراه با تأثیراتی از زبان مردمی‏ست.رمان دیگر دانشور جزیره‏ی سرگردانی(1372)است که در آن سنّت‏ داستان‏نویسی خود را تحت ضابطه درآورده و به مرتبه‏ی ممتازی‏ دست یافته است.در این رمان که خود نویسنده هم با اسم و رسم‏ وارد صحنه می‏شود،زندگی اجتماعی-سیاسی تیپ‏هایی از جامعه‏ی پیش از انقلاب 1357(خصوصا قشر دانشگاهی)ترسیم‏ و در سایه‏ی آن اعتبار و افتقار فرهنگی و فکری هریک از چهره‏های تیپیک باز نموده می‏شود.دانشور در جزیره‏ی‏ سرگردانی فضاهای زیستی تیره و دلتنگ‏کننده و رشد و تعالی‏ طبقه‏ی متوسط و نیز فرازوفرود موقعیت آن‏ها را به مثابه‏ی یک‏ جزیره‏ی سرگردانی نشان می‏دهد.

دانشور داستان‏هایی هم از داستان‏نویسان کشورهای مختلف‏ جهان به زبان فارسی ترجمه کرده است.سرباز شکلاتی از برنارد شاو،دشمنان و باغ آلبالو از چخوف،بنال وطن از آلن‏پپتون،داغ‏ ننگ از ناتانیل هاثورن،کمدی انسانی از ویلیام سارویان،همراه‏ آفتاب و ماه عسل آفتابی از نویسندگان مختلف جهان از جمله این‏ ترجمه‏ها می‏باشد.وی چهل طوطی را نیز با شوهرش جلال آل احمد مشترکا منتشر ساخته است.

2-گلی ترقی

نخستین مجموعه‏ی داستان گلی ترقی(متولد 1318)به نام من‏ چه گوارا هستم،در 1348 منتشر شد.درون مایه‏ی اصلی این اثر، تنهایی،بسته بودن محیط اطراف،فاصله‏ی آدم‏ها از یک دیگر و از اجتماعی‏ست که آدم‏های داستان را به انزوا و گریز به درون خود ملزم‏ می‏کند.

ترقی در 1351 رمان خواب زمستانی را به چاپ رساند.در این‏ اثر آدم‏هایی ظاهر می‏شوند که دوست دارند دست به اقدام بزنند تا محیط مرگ زای اطراف دگرگون شود،ولی راه به جایی نمی‏برند. برخی حتا قادر نیستند به کوچک‏ترین کاری،دست بزنند.با این‏که‏ داستان ساختی ذهنی دارد،اما آدم‏های آن همه تحصیل کرده و مدرسه رفته‏اند و کار فکری می‏کنند.امّا نشان می‏دهند که در این‏ گوشه‏ی دنیا هنوز دست از مغز پیشی دارد و آن‏هایی که دست مایه‏ی‏ زندگی‏شان مغز است،راه به جایی ندارند.این رمان به فرانسه و انگلیسی هم ترجمه شده است.

عمده‏ی هنر گلی ترقی،وصف‏حال و کار زنان است.زنانی که‏ ثبات روحی‏شان بیش‏تر از مردان است،هرچند محیط اطراف سعی در خالی کردن آن‏ها از قوت و توان می‏کند در آثار او زن شهری‏ تحصیل کرده،با دل مشغولی‏ها،محدودیت‏ها و تقلاهایش آشکار می‏شود.

مجموعه‏ی داستان خاطره‏یی پراکنده،هفت داستان کوتاه و بخشی از رمان عادت‏های غریب آقای«الف»در غربت را در بردارد.داستان‏های این مجموعه،بیش‏تر خصلت اتوبیوگرافیک دارند و روزهای رفته و زندگی آمیخته با حس نوستالژیک و خوشبختی‏ توأمان است.راوی ساکن پاریس،یاد و خاطره‏های پراکنده‏ی وطن را باز می‏گوید.ریشه‏های اتوبیوگرافیک داستان‏ها باعث شده است که‏ آدم‏ها آن‏چنان واقعی باشند که در میان‏شان حتا می‏توان آدم‏هایی را یافت که موجودیت حقیقی داشته‏اند و زاییده‏ی ذهن نویسنده نیستند. محیط داستان تهران است و جای‏جای آن آشنا.با خواندن این اثر در کنار آثار دیگر گلی ترقی،یک ویژگی عمده‏ی کار وی زود به چشم‏ خواننده می‏آید و آن،این است که گلی ترقی زنی پرورش یافته در خانواده‏یی توانگر است که از کودکی طعم فقر را نچشیده،آدم‏هایی را که انتخاب می‏کند از طبقات فقیر فاصله دارند.از آدم‏هایی حرف‏ می‏زند که خوب می‏شناسدشان.او برخلاف بسیاری از افراد توانگر که‏ برحسب جریان چپ حاکم بر جوّ روشنفکری فقیرنمایی می‏کردند، بیش‏تر واقعیت‏هایی را می‏نویسد که خودش تجربه کرده است.ترقی‏ در سال 1376،مجموعه داستان جایی دیگر را منتشر کرد که‏ داریوش مهرجویی براساس یکی از داستان‏های این مجموعه هم‏ فیلمی ساخته است.سال 1382،مجموعه‏ی داستان دو دنیا را منتشر کرد.

داستان‏های گلی ترقی با ترجمه شدن به زبان خارجی،بویژه زبان‏ فرانسه،مورد توجه محافل ادبی قرار گرفت و داستان بزرگ بانوی روح من یکی از جوایز داستان سال 1981 را به‏ خود اختصاص داد.

3-غزاله‏ علی‏زاده

غزاله علی‏زاده

(1324-1357)،یکی‏ از جمله معدود زنان‏ نویسنده‏یی‏ست که در مطرح کردن نگاه زنانه‏ در ادبیات معاصر ما دخیل بوده‏اند.آن‏چه‏ با نام غزاله علی‏زاده‏ برایمان تداعی می‏شود، داستان کوتاه و رمان است.او-شاید تحت تأثیر صادق هدایت-در اردیبهشت 1357 در جنگل‏های شمال به زندگی خود خاتمه داد.

حدود 1347 نخستین داستانش در روزنامه‏ی خراسان منتشر شد.در 1355،اولین مجموعه‏ی کارش را به نام سفر ناگذشتنی به‏ چاپ رساند.سال بعد داستان بلند بعد از تابستان را.در این دو کتاب‏ با زنی رمانتیک روبروایم.نفی زندگی شهری و گریز به دامان طبیعت‏ و روستا و بازگشت به عشق‏های دوران نوجوانی،درون مایه‏ی اصلی‏ این دو اثرند.علی‏زاده در این آثار از گروهی از نویسندگان غربی که از تمدن صنعتی خود خسته‏اند،متأثر است؛اما این موضوع را در جامعه‏یی‏ مطرح می‏کند که هنوز هیچ شاخصه‏ی صنعتی ندارد.آثار این دوره‏ی‏ علی‏زاده نه ساخت محکمی دارد و نه فضای فکری وسیعی را ارائه‏ می‏دهد.تنها به این آثار می‏توان به چشم مشق‏های آغاز راه‏ نویسنده‏یی که می‏کوشد نگره‏ی زنانه‏یی مطرح کند،نگاه کرد.

با اندکی تعمق می‏توان سه مرحله در کار علی‏زاده تشخیص داد. مرحله‏ی نخست،نگاه و جهان رمانتیک است،نگاهی که رنگ‏وبوی‏ تأثیر دیگران را دارد.مرحله‏ی دوم نگاه رئالیستی‏ست با جهانی‏ آرمان‏گرا که در داستان بلند دو منظره و برخی داستان‏های مجموعه‏ی‏ چهار راه در گذشته نوشته شده‏اند،دیده می‏شود.این نگاه هم قرابتی‏ با آثار پیشین دارد و هم نسبت به آن‏ها بهره‏مند از تازگی‏ست. رمانتیسم انقلابی حاکم بر دو منظره که در ادبیات ما در طی دهه‏ی‏ پنجاه و پس از آن نمونه‏های بسیار دارد،گونه‏یی تحول در نگاه‏ رمانیستی نویسنده است،اما این‏بار جهان وسیع‏تر پیش اوست.دنیای‏ انسان‏های دردمند و تحت ستم و ستیز آن‏ها برای برانداختن آن.اما دردی بر درد افزوده می‏شود؛بی‏این‏که‏از ستم و درد چیزی کاسته شود. نگاه سوم علی‏زاده را در خانه‏ی ادریسی‏ها می‏بینیم؛تنها رمان‏ چاپ شده‏ی او.هرچند خانه‏ی ادریسی‏ها حکایت خانه‏یی در اوایل‏ قرن در عشق آبادی است،اما با این‏حال باید گفت که این اثر روایت‏ سرنوشت انسان پیرامونی‏ست.سرنوشتی که هیچ‏یک از آدم‏ها در به وجود آوردنش دخیل نبوده‏اند.خانه‏ی ادریسی‏ها نشان از تحویل‏ جدی در کار علی‏زاده دارد.داستان با این‏که رئالیستی‏ست،اما از خامی‏ رایج در رئالیسم سیاست زده مبرّاست.نویسنده نه تنها زندگی اجتماعی‏ چهار نسل از آدمیان این سوی جهان،بلکه درون آن‏ها و زوایای‏ پنهانی وجودشان را می‏کاود،حتا می‏کوشد تا لایه‏لایه‏های عواطف‏ و خیالات آن‏ها را پیش‏روی خواننده‏ بگشاید.این از هنر علی‏زاده است که‏ به جای پیچیده کردن‏ عمدی بیان،درون‏ پیچیده آن‏ها و سرنوشت حاکم بر این‏ آدمیان را نشان دهد.

علی‏زاده با کنار گذاشتن‏ آرمان‏گرایی،چشم بر واقیعت‏های آشکار و پنهان می‏گشاید.او ایدئولوژی فراگیر را که‏ این‏بار علاوه بر زورمداری،به زوایای کاملا خصوصی زندگی نیز دستبرد می‏زند،به چالش می‏کشد،آدم‏های این داستان هیچ‏کدام در برابر پرتگاهی که انتهایی برای‏شان متصور نیست،قرار می‏گیرند، خانه‏ی ادریسی‏ها روایت این استیلای بی‏حد و مرز است،استیلایی‏ که اگر در آن تعمق شود،در خواهیم یافت که ریشه در آن آرمان‏گرایی‏ دارد که روزگاری خود نویسنده نیز به آن دل بسته بود.استیلایی که‏ بی‏هیچ ترحمی همه را از میان می‏برد و در آخر این تنها زنی‏ست که‏ برمی‏گردد تا نابودی تمام و کمال نباشد.در واقع او(لقا)صدایی‏ می‏شود تا ناتوانی استیلا را از محو انسان نشان دهد.

چهار راه آخرین اثر منتشر شده‏ی علی‏زاده است،اما نشان از گذشته دارد.داستان دادرسی احتمالا باید از کارهای اولیه‏ی نویسنده‏ باشد و دومین داستان بعد از تابستان همان اثر پیش‏گفته‏ی نویسنده‏ است.با مروری بر چهار راه،باید آن را متعلق به ذهن و نگاه علی‏زاده، پیش از خانه ادریسی‏ها دانست.

4-منیر و روانی‏پور

منیرو روانی‏پور(1333-)به دو دلیل در میان نویسندگان نسل‏ خویش،منحصر به فرد است.اول از همه این‏که تنها زن جنوبی-از سواحل خلیج فارس و دریای عمان-است که با وجود خیل مردان‏ دست به قلم آن ناحیه،به شهرت رسید.دوم برخلاف بیش‏تر جنوبی‏ها که رئالیسمی سیاسی و سخت عینی را دست مایه‏ی کارشان قرار داده‏اند،رئالیسم او به شدت زیر چنبره‏ی تخیّل است،تا آن‏جا که‏گاه‏ آشکار از رئالیسم دور می‏شود.

روانی‏پور با مجموعه‏ی داستان کنیزو درخشید.کنیزو مجموعه‏ی نه داستان است.داستانی که نام مجموعه از آن گرفته‏ شده،حکایت زندگی اندوه‏بار زنی بدکاره است که مردم شهر حتا مردانی که از او بهره برده‏اند،به او چه در زندگی و چه به هنگام مرگ، به چشم حقارت و پستی می‏نگرند و در این میان دخترکی به نام مریم‏ آن‏چه را بزرگ‏ترها با پیش‏داوری‏شان درنیافته بودند،می‏بیند.مریم‏ که با زشتی زندگی کنیزو ناآشناست،لایه‏ی پنهان شخصیت او،یعنی‏ معصومیت او را مشاهده می‏کند.

داستان‏های دیگر این مجموعه،اصولا طرح هایی‏اند که بعدها روانی‏پور از آن‏ها رمان‏هایش را می‏نویسد.داستان آبی‏ها،رمان اهل‏ غرق و جمعه‏ی خاکستری زمینه‏ی رمان دل فولاد را در خود دارد.

رمان اهل غرق برای روانی‏پور شهرت به همراه داشت.این اثر که گفته می‏شد جلد نخست از مجلّدات چندگانه است و ناشرش نیز جلد دوم آن را تبلیغ کرده بود،با چاپ همان نخستین جلد خاتمه‏ یافت.از طرفی همین جلد نخست نیز داستان مستقلی‏ست؛اهل‏ غرق مانند دیگر آثاری که به سبک معروف رئالیسم جادویی نوشته‏ شده‏اند،واقعیت و خیال را هم عرض هم دارد.آدم‏های واقعی در کنار موجودات خیالی دریایی در رمان ظاهر می‏شوند و ماجرای همه‏ی‏ نیمه افسانه‏یی به حرکت در می‏آید.اهل غرق آشکارا تحت‏تأثیر داستان مارکز به نام زیباترین غریق جهان است.هرچند اهل غرق‏ خیلی زود شناخته شد و نویسنده‏اش را مشهور کرد،اما از جهت‏ محتوایی از آشفتگی خالی نیست،زبان کتاب نیز سخت سست و ناویراسته است.در پنج فصل نخست،زبان یکی دستی بهتری دارد،اما چنین انسجامی در فصل‏های بعدی دیده نمی‏شود.روانی‏پور پس از آن رمان دل فولاد را منتشر کرد.این اثر زمینه‏ی اتوبیوگرافیک دارد و حکایت زن نویسنده‏ی تنهایی را در تهران باز می‏گوید.این اثر نیز مانند اهل غرق نشان داد که روانی‏پور کار نویسندگی را به جد دنبال می‏کند. وی با چاپ سنگ‏های شیطان و سیریا،سیریا آشکار کرد که در داستان کوتاه دستی قوی‏تر از رمان دارد.اهمیت کار روانی‏پور از رهگذر بازتاب ادبیات اقلیمی جنوب به‏گونه‏یی صددرصد متفاوت از دیگر نویسندگان آن سامان است.هرچند سرمشق‏های او در دیگر کشورها شناخته شده‏اند،ولی روانی‏پور توانسته رنگ بومی داستان‏هایش را حفظ کند و کار او به تقلید صرف نکشیده است.

روانی‏پور علاوه بر داستان،دستی نیز در فیلم‏نامه و داستن‏های‏ کودکان دارد.

نتیجه

داستان‏نویسی،برترین صحنه‏ی نمایش کارهای آفرینشی زن‏ ایرانی امروز است؛زنان در کار داستان‏نویسی بسا بیش از شعر، موسیقی،نمایش و فیلم موفق بوده‏اند.

ادبیات داستانی مثل دیگر گونه‏های ادبی،محصول اوضاع و احوال جامعه است و تحولات سیاسی،اجتماعی و اقتصادی جامعه را انعکاس می‏دهد.ادبیات داستانی قبل از مشروطیت،هم از نظر قیافه‏ و شکل و شمایل ظاهری و هم از نظر ویژگی‏های شخصیتی و روانی‏ -تیپیک و یک دست و یکنواخت بودند؛یعنی نویسنده‏ی مرد چه‏ مجرد بود و چه متأهل،چه زن جوتن و زیبا داشت چه زن سالخورده و زشت،چه زن باسواد داشت،چه زن بی‏سواد؛همیشه یک نواخت از روی زیبا،اندام بلند،چشم سیاه و گیسوی دراز او و نیز از بی‏مهری، جفا و سفر رفتن او سخن می‏گفت،مرد و زن و ارباب و نوکر را تیپیک‏ ترسیم می‏کرد.با ظهور زنان داستان‏نویس،تحولی در ادبیات فارسی‏ شروع شده است.سووشون و جزیره‏ی سرگردانی سیمین‏ دانشور،جایی دیگر از گلی ترقی،طوبا و معنای شب از پارسی‏پور، خانه‏ی ادریسی‏ها از غزاله علی‏زاده با بهترین داستان‏های فارسی‏ پهلو می‏زنند.باید گفت:باش تا صبح دولتش بدمد!

سرود قدیمی قحط سالی

احمد شاملو(الف.بامداد) سال بی‏باران

جل پاره‏یی‏ست نان

به رنگ بی‏حرمت دل‏زدگی

به طعم دشنامی دشخوار و

به بوی تقلب.

ترجیح می‏دهی که نبویی،نچشی

ببینی که گرسنه به بالین سر نهادن

گواراتر از فرو دادن آن ناگوار است

سال بی‏باران

آب

نومیدی‏ست

شرافت عطش است

و تشریف پلیدی

توجیه تیمم

به جدّ می‏گویی خوشا عطشان مردن

که لب ترکردن از این.

گردن نهادن به خفت تسلیم است.

تشنه را گرچه از آب ناگزیر است و گشنه را از نان

سیر گشنه‏گی‏ام،سیراب عطش.

گر آب این است و نان است آن.